

## یک نامه خواندنی از ۹۰ سال پیش

۱۰ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۱۸

روز ۱۵ فروردین ۱۳۰۴ و ثوق السلطنه، والی فارس، با ارسال تلگرامی به رضاخان نوشت که روزنامه حبل المتین چاپ کلکته مطالبی علیه سیاستهای رسمی دولت ایران به چاپ رسانده است. در این تلگرام آمده است: «فعلاً دستورالعمل دادم که این نمره را جمع کنند. به پستخانه هم سپردم در آتیه به ایالت نظامی اطلاع داده، با اجازه فدوی توزیع شود.»

روز ۱۵ فروردین ۱۳۰۴ و ثوق السلطنه، والی فارس، با ارسال تلگرامی به رضاخان نوشت که روزنامه حبل المتین چاپ کلکته مطالبی علیه سیاستهای رسمی دولت ایران به چاپ رسانده است. در این تلگرام آمده است: «فعلاً دستورالعمل دادم که این نمره را جمع کنند. به پستخانه هم سپردم در آتیه به ایالت نظامی اطلاع داده، با اجازه فدوی توزیع شود.»

در همین رابطه وزارت جنگ نیز به فرمانده لشکر شرق دستور داد شماره ششم حبل المتین در ناحیه خراسان توزیع نشود. مقاله یادشده انتقاداتی به رضاخان داشت که از آن جمله در بخشی از آن آمده بود: «ما پیش از هر مطلبی فکر می کنیم که سردار سپه شاهی خواهد بود با شصت هزار سرنیزه در پشت سر خود و این عده نظامیان چنانچه همه می دانیم جز شخص او کسی را نشناخته و جز فرمان او امری را اطاعت نخواهند کرد. می توان گفت که ملت ایران از عهد نادرشاه با چنین پادشاه مقتدر و فولادبازویی طرف معامله نگردیده است و کسی چه داند که آقای سردار سپه این اقتدار تام خود را برای پایمال ساختن حقوق ملت و توسعه دادن به اختیارات پادشاهی خود به کار نخواهد برد؟... آیا کسی می تواند به ما اطمینان کامل دهد که سردار سپه چون بر سریر شاهی درآید به همان اندازه اختیاراتی که قوانین مشروعه برای او معین کرده اکتفا نموده و حدودی برای خود قائل گردد؟ بشر از حرص محض سرشته است و طمع و آرزوی انسانی حدودپذیر نیست. آقای سردار سپه صاحب منصب قزاق بود، در هنگام کودتا رئیس کل قزاقخانه گردید، قانع نشده و کوشید و وزیر جنگ گردید، قانع نشد و کوشید و رئیس الوزراء گردید، اکنون نیز قانع نشده و می کوشد که شاهنشاه و تاجدار کشور باستان ایران گردد. از کجا معلوم وقتی به شاهی رسید به فکر استقلال و استبداد تام نیفتاده و با قوایی که در زیر فرمان دارد و با تجربه هایی که در این چند سال در میدان مبارزه سیاست ایران آموخته است برای برانداختن اساس حکومت ملی و آزادی ملت نکوشد و کاری را که ناپلئون بزرگ درباره جمهوریت سابق فرانسه و سلطان عبدالحمید درباره مشروطیت اول مملکت ترکیه کردند او درباره مشروطیت ایران نکند؟ شاید روزگاری هم بیاید که سیاست یکی از همسایگان نیز همان اقتضا را داشته باشد و سلسله شوق را سلسله جنبان برسد!

آنچه ما را بیشتر دچار نگرانی و ترس می گرداند این است که سردار سپه چنانچه در این چند سال اخلاق و احساسات خود را ظاهر ساخته اند در ضمن آن که مرد با عزم و کاردان و سردار دلیر و نیرومندی می باشند، احساسات دیکتاتوری بر ایشان غالب است و

قهر و غلبه را همواره مقدم می‌دارند؛ همان سردار سپه است که در اوایل امر خود که وزارت جنگ را داشت برخی از مدیران جراید را که زبان انتقاد باز کرده بودند چوب و شلاق زده و برخی با مشت و لگد دندان می‌شکست. همین سردار سپه بود که کابینه مشیرالدوله را با زور سرنیزه مجبور به استعفا و کناره‌گیری کرد، باز همان سردار سپه است که نظامیان او در هر نقطه از مملکت که هستند پایبندی بر قوانین مملکت نداشته و در همه کارها با اصول دوره استبداد راه می‌روند. ... دخالت مستقیم نظامیان در امر انتخابات گذشته به خصوص پس از ریاست وزرایی آقای سردار سپه محتاج به شرح و بیان نیست و همه مردم ایران به خوبی می‌دانند که اکثر و کلای دوره پنجم کسانی هستند که یا با شخص رئیس الوزرا و یا با یکی از امرای لشکر و حکام نظامی ارتباط داشته و با اعمال نفوذ نظامی به وکالت پارلمان نائل آمده‌اند. ...

مقصود از این شرح و تفصیل این است که آقای سردار سپه را ما تاکنون چنان شناخته ایم که قهر و فعال مایشائی را بر مراعات قوانین مملکتی ترجیح می‌دهد و هیچ دور نمی‌دانیم که پس از آنکه وارث تاج و تخت کیان گردید یگانه آرزوی خود را این قرار دهد که بساط حکومت ملی را برچیده و خود را از قیود قوانین آزاد سازد... یکی از اموری که ما را هیچ تردیدی درباره آن نیست این است که سردار سپه اگر شاه شود با جدیت تمام خواهد کوشید که تاج و تخت ایران را در اولاد خود موروثی گرداند. به خصوص که سردار سپه خود را از بازماندگان خانواده (باوندان) می‌داند که قریب هفتصد سال سلطنت مازندران را داشته و گاهی به ری و عراق نیز حکم رانده‌اند. بی شک یکی از آمال قلبی سردار سپه خواهد بود که سلطنت از دست رفته خاندان خود را عودت دهد...»  
(حبل‌المتین، سال ۳۳، شم ۶ (شعبان ۱۳۴۳)، صص ۴ و ۵).

منبع: روزنامه تاریخ معاصر ایران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سال ۱۳۰۴ ج ۵، مدخل ۱۵ فروردین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۷۲۹/یک-خواندنی-نامه-۹۰-پیش-سال-۹۰>